



پرداخت ۱۲۰۰ میلیارد از مطالبات داروخانه‌ها

معاون برنامه‌ریزی، مالی و پشتیبانی سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرد: «سهم این سازمان از مطالبات داروخانه‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی طرف قرارداد مربوط به اسناد خردادماه، با پرداخت مبلغ ۱۲۰۰ میلیارد تومان تسویه شد. «مرتضی حسینی افزود: «باتأمین مالی انجام شده، سهم سازمان از مطالبات داروخانه‌های طرف قرارداد سازمان تأمین اجتماعی تا پایان خردادماه ۱۴۰۳ تسویه شد.» به گفته او، همچنین روز پنجشنبه، ۱۵۰۰ میلیارد تومان از مطالبات بیمه تکمیلی بازنشستگان نیز تسویه شد. براساس اعلام سازمان تأمین اجتماعی، با تأمین منابع موردنیاز، باقیمانده مطالبات رسیدگی شده داروخانه‌های خصوصی نیز به تدریج پرداخت خواهد شد. به تازگی محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز از تأمین ۱۰ همت اعتبار برای پرداخت بدهی‌های داروخانه‌ها و تأمین نقدینگی مورد نیاز آنها خبر داده بود.



مشاهده دوباره «مهشاد» و خانواده‌اش

برای بار دوم «مهشاد»، همراه با چهار توله‌اش در پاک ملی توران شاهرود در شرق استان سمنان، دیده شد. به گزارش ایرنا، در بهار امسال بود که تصاویر «مهشاد» - یوزپلنگ - و چهار توله‌اش در پارک ملی توران استان سمنان پویایی جمعیت این گونه ارزشمند را نوید داد. مشاهده دوباره این خانواده پنج نفره در پاییز ۱۴۰۳ هرگونه نگرانی را بابت سلامت این خانواده از بین برد. «مهشاد» با سن تقریبی سه سال، متعلق به نسل دوم یوزپلنگ ماده «هرب» به‌شمار می‌رود. تصاویر جدید ثبت شده از «مهشاد» و چهار توله‌اش نشان داد که این یوزپلنگ ماده آسیایی در اولین زایمان خود در بهار ۱۴۰۳ موفق به زناآوری چهار توله یوزپلنگ شد و در پاییز ۱۴۰۳ توله‌ها تا حدی از آب و گل درآمدند. طبق تحقیقات انجام شده، یوزپلنگ جزو پستانداران چندمهرسری است و از دو تا سه سالگی بالغ می‌شود و تا هشت سالگی قدرت زادآوری و چندقلوزایی دارد. فرزندان «مهشاد» در سه سالگی نشان‌دهنده زادآوری این گونه دست‌کم تا پنج سال آینده است.



اعلام آمادگی برای وکالت خانواده‌های «طبی»

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه گفت: «مرکز وکلا این آمادگی را دارد که وکالت معاضدتی خانواده جانباختگان حادثه طیس را به‌عهده بگیرد.» براساس اعلام قوه قضائیه، حسن عبدالباهنور توضیح داد: «مرکز وکلا این آمادگی را دارد که در جهت تسکین و تسلائی خاطر بازماندگان و در راستای مسئولیت اجتماعی خود، وکالت معاضدتی خانواده جانباختگان حادثه طیس را برای طرح دعوا علیه شخص یا اشخاص خاصی به‌عهده بگیرد.» او با بیان اینکه در بحث کارشناسی معاضدتی نیز بانوجه به ظرفیتی که در مرکز وکلا وجود دارد کارشناسان ما نیز می‌توانند کمک کنند، گفت: «به همکاران مان در مراکز استانی به‌ویژه استان خراسان جنوبی و رضوی اعلام کرده‌ایم که هر یک از خانواده این افراد اگر نیاز به وکالت و کارشناسی معاضدتی داشته، وارد عمل شوند و به آن‌ها کمک کنند.»

داشت، جان هزاران نفر را گرفته بود و نزدیک هشت سال است که تبدیل به اتوبان شده است. دولت حقوق خود را از معادن می‌گیرد، اما حاضر نیست هیچ زیرساختی را برای آن منطقه ایجاد کند. حقوق جوامع محلی چه می‌شود؟ این معادنی که آنجا قرار دارند، بیشترین خسارت و تأثیرات منفی را ایجاد می‌کنند. در این شرایط چرا حقوق مردم محلی تبدیل به قانون نمی‌شود؟ مثلاً درصد خاصی از این حقوق به جامعه محلی برسد. وقتی دولت می‌خواهد پروانه بهره‌برداری از یک معدن را صادر کند، از حق خود بگذرد و از بهره‌بردار بخواهد ابتدا جاده را درست کند و بعد شروع به کار کند.»

این دانشجوی دانشگاه تهران تأکید کرد که حقوق از سال ۱۳۸۰ و زمانی که قرارداد معادن در سال ۱۳۸۰ بسته شد، همه حقوق معادن، دولتی تفسیر شده است و حقوق جوامع محلی و بومی کاملاً نادیده گرفته شده است و به همین دلیل نیاز به کارزار بزرگی در این زمینه داریم: «دولت‌ها از این نظر شانه خالی کرده و کاری در این زمینه انجام نمی‌دهند. هزاران میلیارد تومان از منابع نفت و گاز استخراج می‌شود، اما مردم مناطق محلی نزدیک به این منابع، آب برای خوردن ندارند. چرا قانون نمی‌گوید که پنج درصد از منابع همین صنایع برای توسعه زیرساخت‌ها استفاده شود؟ تمرکزگرایی آنقدر نهادینه شده که پول‌ها باید به مرکز برسد و بعد در خواست ساخت زیرساخت‌ها مطرح شد.»

او به اولویت توسعه محلی هم اشاره کرد: «در تمام دنیا وقتی دیدند متروپل‌هایشان به این اندازه رشد کرده و دیگر ظرفیت ندارند، به توسعه منطقه‌ای روی آوردند و دولت‌های محلی شکل دادند، ولی هیچ اختیاری به خصوص از نظر مالی به جوامع محلی داده نمی‌شود. به نظرم در بحث معادن باید حقوق جوامع محلی هم تعریف شود و حتی بتوانند در بهره‌برداری هم دخالت کنند. این یک سرمایه بین‌نسلی است که نفع اصلی آن باید به جوامع محلی برسد، اما کاملاً نادیده گرفته می‌شوند.»

تعارض منافع در حوزه کار

رضا اسدآبادی، روزنامه‌نگاری که بعد از حادثه معدن طیس در منطقه حضور داشت، از شرایط کار در این معادن و تعارض منافع در این حوزه گفت. به گفته او، کارگران این معدن می‌گفتند شرایط کار در معدن به شکلی است که انسان نباید در آن کار کند؛ به‌خصوص در معادن سنتی که تعریف می‌کردند کارگران بخش پیشروی در محیطی یک‌متر در یک‌متر و در شرایطی بسیار سخت باید به کارشان ادامه دهند: «آنچه برای من در این حادثه عجیب بود، تمام نرده‌های فعالان حوزه ایمنی در این فضا دیده می‌شد. برای مثال مهندس ناظر پیشروی با حفظ سمت مسئول ایمنی هم بود. فردی که موظف است هرچه سریع‌تر کار پیش رود، هم‌زمان باید بر ایمنی هم نظارت کند. در صورتی که این مسئول به‌محض اینکه متوجه انفجار یا نشست گاز و حوادث دیگر شد، ابتدا باید کار را متوقف کند. در صورتی که مسئول پیشروی باید در سریع‌ترین زمان ممکن کار را پیش ببرد. این تعارض منافع در عالی‌ترین سطح حوزه ایمنی هم دیده می‌شود. در شورای عالی حفاظت فنی افرادی قرار می‌گیرند که در عدم توقف تولید ذی نفع محسوب می‌شوند. اداره کل بازرسی کشور، خودش زیرمجموعه معاونت روابط کار و جبران خدمت است که وظیفه آن این است که دخالت می‌کند تا در هر شرایطی تولید ادامه پیدا کند. ما به آقای میدری گفتیم معاونت ایمنی تشکیل و از معاونت روابط کار جدا شود.»

او می‌گوید، وجه دیگر تعارض منافع در این حوزه این بود که وزارت کار تمام مسئولان ایمنی را حقوق‌بگیر کارفرما کرده است؛ یعنی به‌عنوان مسئول حفاظت ایمنی اگر چندبار به کارفرما تذکر بدهید، با توجه به این که حقوق‌بگیر او محسوب می‌شوید، ممکن است اخراج شوید. این موضوع در همه کارگاه‌ها، حوزه نفت و گاز هم دیده می‌شود: «مجموعه معادن طیس مسافت زیادی با شهر دارد و وضعیت جاده به‌شکلی است که فقط ماشین‌های سنگین در آن تردد می‌کنند و در این شرایط، غیر از اینکه کارفرمایان بخش خصوصی هیچ مسئولیت اجتماعی‌ای ندارند، هزینه‌ای هم بابت بهبود وضعیت این جاده نمی‌کنند. یکی از فعالان حوزه تأمین اجتماعی منطقه توضیح می‌داد که در یک‌سال گذشته هفته‌ای یا ماهانه یک‌بار، یک حادثه‌ییده از معدنچو به کلینیک تأمین اجتماعی ار جاع داده می‌شد.»



را در موضوعی مانند حادثه طیس نشان می‌دهد. بخشی از این ماجرا مربوط به مهارت‌های فنی است و بخشی دیگر مربوط به مهارت‌های صنفی و حق تصمیم‌گیری و شکل‌زایی است که اصلاً وجود ندارد.»

مراد در ادامه از مسئله دستمزد پایین کارگران و متناسب نبودن آن با شرایط کار در معدن می‌گوید: «امیدوارم کارگرانی که در روستا زندگی می‌کنند، نیازی نباشد که به کار سخت معدن یا هر کار سخت دیگری تن بدهند. حقوق ۱۲ میلیون تومانی این کارگران، به غیر از ناچاری حرف دیگری به ما نمی‌زند؛ کارگری که حق چانه‌زنی ندارد و در محل زندگی‌اش چیز بهتری در انتظارش نیست. از سوی دیگر مسئله ارزیابی تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی هم در ایران فرمالمی است و به یک گزارش کاغذی تبدیل شده است. کارکرد این گزارش این است که قبل از احداث یک صنعت شناسایی شود و کارگر برای آن آموزش داده و محیط برایش آماده شود، اما حالا به سندی در مجموعه اقدامات تأسیس یک مجموعه تبدیل شده است.»

فرشاد اسماعیلی پژوهشگر حوزه روابط کار

سازمان بین‌المللی تأمین اجتماعی اعلام کرده است که

۱۰۰ درصد حوادث در حوزه کارگری قابل پیش‌بینی است و اگر کارفرماها به اندازه یک واحد در حوزه آموزش و پیشگیری از حوادث سرمایه‌گذاری کنند، دو واحد سودآوری خواهند داشت

حق جوامع محلی کجاست؟
 یکی دیگر از حاضران این نشست، ملاکی، دانشجوی دکتری دانشگاه تهران و کارمند وزارت نفت در امور مسئولیت‌های اجتماعی بود. او درباره حقوق تعریف‌شده برای دولت از معادن و در نظر نگرفتن سهم جوامع محلی گفت: «از این حقوق درصدی به دولت می‌رسد و می‌تواند خودش را کنار بکشد، سیاست‌گذاری‌ای برای آن انجام ندهد، نظارتی بر آن نداشته باشد و منتظر باشد حوادثی مانند طیس رخ دهد. معادن عموماً در نقاط دورافتاده و محروم قرار دارند و وقتی پروانه بهره‌برداری به کسی داده می‌شود آنجا ماشین‌هایی رفت‌وآمد می‌کنند که بسیار خطرناکند و زیرساخت‌های این مناطق جوابگوی عبور و مرور این وسایل نیستند.»

ملاکی از پژوهش‌های خود درباره تأثیر صنایع عسلویه بر جوامع محلی گفت و توضیح داد: «در بازه سال‌های ۷۶-۷۵ که فعالیت در عسلویه شروع می‌شود، جاده‌های این منطقه گسترش پیدا می‌کند. یکی از این جاده‌ها برای حمل‌ونقل بین بوشهر و بندرعباس سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت اما به‌دلیل وضعیت نامناسبی که

سودآوری خواهند داشت. اسماعیلی می‌گوید در سطح شرکت، مدیریت و حتی خود کارگران و مهندس و مشاور ناظر هم می‌توان پیشنهادهایی داشت، اما مسئله این است که در همه سال‌های گذشته در این سطوح پیشنهادهایی مطرح شده اما به‌نظر می‌رسد مشکل اساسی‌تر و نیاز به تغییری بنیادین در حوزه دولت و رگولاتوری است: «درقانون برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده است که یک‌درصد از درآمدهای دولتی معادن به جبران خسارت‌هایی که به مناطق وارد شده، اختصاص پیدا کند؛ یعنی این موضوع پذیرفته شده که بهره‌برداری از معادن از نظر بهداشتی، محیط‌زیستی و جاده‌ای خسارت ایجاد می‌کند. از طرف دیگر مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی دارد که طبق آن این صنایع چه میزان خسارت جاده‌ای ایجاد کرده است؛ چون ماشین‌آلات و حمل‌ونقل مربوط به این صنایع با وضعیت جاده‌ها تناسبی ندارد و به همین دلیل بسیاری از جاده‌های محلی از این نظر آسیب دیده است. در این گزارش آمده است که بهره‌برداری از این صنایع باید باعث عدالت منطقه‌ای می‌شود، اما به‌واسطه ارزان‌سازی نیروهای بومی باعث بهره‌کشی منطقه‌ای و استثمار بومی شد.»

در ادامه این نشست، الهام مراد، متخصص توسعه محلی، درباره تجربه کارگران در جوامع محلی توضیح داد. به گفته او اتفاقی که در جامعه ما رخ داده، تبدیل کارگر کشاورزی به کارگر صنعتی است که مهارت‌هایش تناسبی با محیط جدیدی که به آن وارد شده، ندارد و از طرف دیگر آموزش هم در این حوزه نمی‌بیند: «از عنوان کارگر ساده‌ای که در صنایع مطرح می‌شود و سن در مناطق مختلف آن را دیده‌ام، نباید به‌راحتی بگذریم. این کارگران مهارت انجام کار و مهارت حفاظت از خود را ندارند.»

او از خریدوفروش مدرک بهداشت ایمنی می‌گوید و توضیح می‌دهد که باید به مبدأ زندگی کارگران ساده‌ای که به کارگر صنعتی تبدیل می‌شوند، توجه کرد: «من مواردی را به چشم دیدم که مدرک ایمنی با رقم سه میلیون تومان خریدوفروش می‌شود؛ یعنی کسی که دوره‌ای در این زمینه ندیده، به مسئول اچ.اس.ای یک مجموعه تبدیل می‌شود؛ به همین دلیل است که باید به مدل زندگی و مبدأ این کارگران ساده هم توجه کنیم.»

آموزشی برای کارگران ساده نیست

در میان کارگران جانباخته طیس، کارگرانی از زایل، بیرجند، مینودشت و مناطق مختلف خراسان هم حضور داشتند. مراد به این مسئله اشاره می‌کند و از نقش تغییر اقلیم در ترک محل زندگی و مهاجرت به شهرهای دیگر می‌گوید: «تغییرات اقلیمی چه بلایی سر ما می‌آورد؟ این کارگران از مناطقی که درگیر کمبود آب شده‌اند به شهر دیگری برای پیدا کردن کار مهاجرت کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد، نباید سلسله‌وار بودن این مسائل را نادیده بگیریم. اگر به مسئله آب و مهارت کارگر توجه نکنیم، خود

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شناسه آگهی: ۱۷۹۸۷۲۶
 برابر آرا صادره در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی ملک به‌شهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی واقع در اراضی مزروعی قریه حسین‌آباد قسمتی از پلاک ۱- اصلی بخش ۱۸- ثبت به‌شهر به شرح ذیل می‌باشد. ۱- به نام آقای موسی دارای فرزند محمد در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۲۰۴/۳۱ مترمربع به شماره کلاسه ۱۴۵۹/۲۰۲۱- به نام آقای محمد دارای فرزند مرتضی در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۳۴۶/۱۴۰۲ مترمربع به شماره کلاسه ۱۵۰۵/۱۴۰۲- به نام آقای محمد دارای فرزند مرتضی در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۷۴/۸۹ مترمربع به شماره کلاسه ۱۵۰۲/۱۴۰۲ برابر برگه استشهادهای ارائه شده محرز گردیده است که مستند مالکیت خریداری‌شده از مالک غیررسمی جان برادر در اخلال به متقاضی واگذار شده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد؛
 تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸
 محمدحسن صادقی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بهشهر